

آفرینش حوا (زن) در قرآن و روایات

اعظم فرجامی*

چکیده: حوا همسر آدم نخستین زنی است که در اساطیر و حکایات از او یاد می‌شود. آیات قرآن چگونه آفرینش حوا را به روشنی بیان نکرده‌اند. در مقابل برخی روایات در منابع اولیه حدیثی یافت می‌شوند که حوا یا به طور کلی جنس زن را آفریده شده از آدم یا جزئی از بدن او می‌دانند. در این مقاله این روایات پس از دسته بندی و گزارش، نقد و بررسی می‌شوند. در نقد متن عرضه روایات بر قرآن، عقل و دیگر ملاک‌ها مینا قرار می‌گیرند. در نقد سندی نیز به راویان ضعیف و انقطاع در سند اشاره می‌شود.

واژه‌های کلیدی: آفرینش حوا، آفرینش زن، حدیث، حوا، نقد روایات

طرح مسئله

آفرینش زن از دنده یا بخشی از جسم مرد، باوری است که در برخی فرهنگ‌ها و ملل وجود دارد و در اسطوره‌ها و قصه‌های عامیانه بازتاب یافته است. پرسش اصلی این مقاله این است که آیا این اندیشه، بشری و برگرفته از نگرش رایج در عصری خاص به زنان بوده است یا ریشه در منشایی فرابشری دارد و از متون دینی و الهی متأثر است؟

حوا نامی است که در ادبیات اسلامی بر نخستین زن، همسر آدم، نهاده‌اند. به نظر می‌رسد این اسم ریشه عربی ندارد. واژه حوا نخستین بار در تورات ذکر شده (سفر پیدایش، ۲۰/۳؛ ۱/۴) و احتمالاً از آنجا به زبان و فرهنگ عرب راه یافته است. تورات ریشه کلمه حوا را با «حی» مرتبط می‌داند (سفر پیدایش ۲۰/۳). برخی معنای لغوی و ریشه کلمه حوا را با آفرینش وی پیوند می‌زنند و برآنند که آفرینش زن از مرد در واژه‌ها

تأثیرگذار است. کتاب مقدس هنگام حکایت آفرینش نخستین انسان‌ها این باور را تایید می‌کند. اما اسلام آفرینش زن را چگونه مطرح می‌کند؟ در این مقاله در پاسخ به این پرسش دو متن اصلی دین، قرآن و سنت (روایات) مبنا قرار می‌گیرد.

مروری بر روایت‌های متفاوت در باب آفرینش حوا

۱. قرآن

در قرآن از نام حوا یاد نشده و تنها با واژه «زوج» به او اشاره شده است. (نک: بقره/۲؛ نساء/۱؛ اعراف/۱۹ و ۱۸۹؛ طه/۱۱۷؛ زمر/۳۹). گفتنی است قرآن هنگام یاد کرد همه زنانی که از آنها سخن به میان آورده است، به جز مریم (علیها السلام) که به نام وی تصریح شده، واژه «امراه» را به کار می‌برد.

قرآن به موضوع خلقت حوا در بحث آفرینش همه انسان‌ها از «نفس واحده» اشاره می‌کند؛ «يا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (نساء/۱).

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف/۱۸۹).
«خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (زمر/۳۹).

بیشتر مفسرین «نفس واحده» را آدم و «زوجها» را حوا تفسیر کرده‌اند؛ اما در چگونگی ارتباط آفرینش این دو اختلاف نظر است.

برخی با توجه به تعدادی از روایات، رأی آفرینش حوا از دنده آدم را پذیرفته و نقل کرده‌اند، (نک: شیخ طوسی، ۱۳۷۹ ق، ۱۵۸/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۹ ق، ۲/۲؛ ۸۴/۱ هر چند طبرسی ضمن تفسیر آیه ۱۸۹ اعراف، رأی آفرینش حوا از «جنس» آدم را نیز گزارش می‌کند، (نک: ۵۰۹/۲؛ ملاصدرا، ۱۴۱۵ ق، ۸۶/۳؛ فیض کاشانی، بی تا، ۳۸۲/۱، البته فیض از جنبه عرفانی نیز به مسئله آفرینش حوا از دنده آدم می‌پردازد، نک: ۱/۳۸۳، تأویل آفرینش حوا از دنده آدم نزد باطنیه و عرفا، بحث مفصلی است که برای اطلاعات بیشتر نک: ستاری، ۱۳۷۵ ش: ۶۶ - ۶۳). اما بیشتر مفسران معاصر نظر آفرینش حوا از جنس و نوع آدم و نه از بدن آدم را برگزیده‌اند (نک: طباطبایی، ۱۳۹۷ ق، ۱۴۳/۴؛ بلاغی، ۱۳۴۵ ش، ۶/۲؛ مغنیه، ۱۹۸۱ م، ۸۴/۱؛ فضل‌الله، ۱۴۰۵ ق، ۲۴/۷).

۲. روایات

در برخی روایات به طور کلی اشاره شده که حوا از حیوان یا حی (موجود زنده) خلق گردیده است. در برخی دیگر از این روایات این موجود زنده، «انسان»، «آدم» و گاه «مرد» خوانده شده است. دسته‌ای دیگر از آنها «دنده» و گاه «اضافه گل آدم» را عنصر ابتدایی آفرینش حوا معرفی می‌کنند.

۲-۱- حی و حیوان

روایت ۱- علی بن احمد بن محمد/محمد بن ابی‌عبدالله/موسی بن عمران النخعی / عمه حسین بن یزیدالنوفلی/علی بن ابی حمزه/ابی بصیر/امام صادق(ع):

«حوا را از آن رو حوا خواندند که از "حی" آفریده شد و خداوند می‌فرماید [که] شما را از نفس واحد آفرید و همسرش را نیز از او بیافرید.» (شیخ صدوق، ۱۳۸۶ق، ۱/۱۶).

روایت ۲- علی بن احمد بن محمد/محمد بن یعقوب/علی بن محمد یاسناده رفعه / علی بن ابی طالب(ع): «حوا را از آن رو حوا خواندند که از موجود زنده آفریده شد.» (همان: ۲)

شیخ صدوق این حدیث را به‌صورت کامل یا تقطیع شده، به ویژه در علل الشرائع، بارها تکرار می‌کند. متن آن چنین است که فردی یهودی نزد حضرت علی(ع) می‌آید و از علت نام‌گذاری بسیاری از اشیاء، جانوران، شخصیت‌ها و از جمله حوا سؤال می‌کند. در پاسخ سبب نام‌گذاری حوا نیز عبارت یاد شده بیان می‌شود.

۲-۲- آدم

روایت ۳- با سند روایت اول از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود:

«زن را از آن رو «مرأه» خواندند که از «مرء» (مرد) آفریده شد؛ یعنی حوا از آدم خلق گردید.» (همان: ۱۶)

ظاهراً روایات اول و سوم از یک روایت تقطیع شده‌اند.

روایت ۴- محمد بن یحیی/عبدالله بن محمد/علی بن الحکم/أبان بن عثمان/عبدالرحمن بن سیابه/امام صادق(ع):

«خداوند حوا را از آدم آفرید؛ از این رو میل زنان به مردان است، پس زنان را در خانه‌ها نگه دارید.»

(کلینی، ۱۳۸۹ق، ۵/۳۳۷)

روایت ۵ - ابان از واسطی از ابی‌عبدالله(ع) نقل می‌کند:

«خداوند آدم(ع) را از آب و خاک آفرید؛ از این رو میل مردان به آب و خاک است؛ و حوا را از آدم آفرید؛

بدین جهت توجه و اشتیاق زنان به مردان است، پس زنان را در خانه‌ها نگه دارید.» (همانجا).

روایت ۶- عده من اصحابنا/ احمد بن ابی‌عبدالله/ ابیه/ وهب/ ابوعبدالله(ع) / امیرالمؤمنین علی(ع):

«مردان از زمین آفریده شدند؛ از این رو، آنها به زمین اشتیاق و میل دارند. و زن از مرد آفریده شد پس

به مرد توجه و رغبت دارد. ای گروه مردان زانتان را حبس کنید.» (همانجا).

روایت ۷- ابی [علی بن حسین]/سعد بن عبدالله/محمد بن الحسین بن ابی الخطاب/محمد بن یحیی

الخرزازی/غیاث بن ابی‌ابراهیم/ابی عبدالله(ع):

«زن از مرد آفریده شد، از این رو توجه او به مرد است، پس زانتان را حبس کنید؛ و مرد از زمین آفریده

شد و بدین سبب به زمین میل دارد.» (شیخ صدوق، ۱۳۸۶ق، ۳۹۸/۲).

۳-۲- دنده

در این بخش روایاتی بررسی و گزارش می‌شوند که به آفرینش حوا (زن) از دنده آدم (مرد) اشاره دارند.

روایت ۸- محمد بن یحیی/احمد بن محمد و علی بن ابراهیم/ابیه، جمیعاً/ابن محبوب/ هشام بن سالم/

برید العجلی:

از ابوجعفر(ع) درباره این سخن خدا "و هو الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا وَ كَانَ رُبُّكَ

قَدِيرًا" ۱۷ (فرقان/۵۴/۲۵) سؤال کردم. امام(ع) فرمود: خداوند آدم را از آبی زلال آفرید و همسر آدم را [نیز] از

نوع و جنس او آفرید. پس این زن را از پایین‌ترین و پست‌ترین دنده آدم شکل داد. پس از همان دنده سبب

و نسب را به جریان انداخت و آن زن [حوا] را به ازدواج او [آدم] درآورد و به واسطه این ازدواج بین آن دو

«صهر» برقرار کرد. و این همان سخن خداوند است که فرمود: «نَسَبًا وَ صِهْرًا»؛ از این رو ای برادر عجلی به

واسطه مردان، نسب و به واسطه زنان، «صهر» برقرار می‌شود...» (کلینی، ۱۳۸۹، ق، ۴۴۲/۵).

روایت ۹- محمد بن عیسی/عیسی بن عبدالله علوی/ ابیه/ جده امیرالمؤمنین(ع):

«حوا از پهلوی آدم آفریده شد در حالی که آدم خواب بود»(عیاشی، بی تا، ۲۱۵/۱).

روایت ۱۰- با سند قبل روایت شده است:

آفرینش حوا در قرآن و روایات ۹

«حوا از دنده کوچک پهلوی آدم آفریده شد و به جای این دنده خداوند تکه گوشتی را در پهلوی آدم نهاد.» (همانجا).

روایت ۱۱- عبدالله بن سنان از امام صادق(ع) نقل می‌کند:

«خداوند بعد از ظهر روز جمعه در روح آدم دمید، سپس همسر آدم را از پست‌ترین دنده آدم آفرید» (همان، ۱۰/۲).

روایت ۱۲- ابی [ابراهیم بن هاشم]/حسن بن محبوب/ابوجعفر(ع):

«عمر آدم(ع) از روزی که خداوند او را آفرید تا روزی که او را قبض روح کرد و در مکه دفن شد، نهصد و سی سال بود؛ و بعد از ظهر جمعه در روح آدم دمیده شد. سپس همسر آدم از پست‌ترین دنده آدم خلق شد...» (قمی، ۱۴۰۴ق، ۴۵۱).

روایت ۱۳- ابن عباس در بخشی از مسائل عبدالله بن سلام می‌آورد:

«... عبدالله بن سلام از پیامبر(ص) سؤال کرد: آیا آدم از حوا آفریده شد یا حوا از آدم؟ پیامبر فرمود: حوا از آدم آفریده شده است که اگر آدم از حوا خلق می‌شد، طلاق به دست زنان بود و مردان در آن اختیاری نداشتند؛ سؤال کرد: آیا حوا از همه [اجزاء] آدم آفریده شد یا از برخی [از اجزاء] آدم؟ فرمود: از برخی [از اجزاء] آدم؛ زیرا اگر حوا از همه [اجزاء] آدم آفریده می‌شد، قضاوت برای زنان جایز بود، همان‌طور که برای مردان جایز است؛ سؤال کرد: حوا از [اجزاء] ظاهری آدم آفریده یا از [اجزاء] باطنی؟ فرمود: از [اجزاء] باطنی و درونی که اگر حوا از ظاهر آدم آفریده می‌شد، زنان بدون پوشش بودند همان‌گونه که مردان بدون حجاب هستند؛ از این‌رو اکنون زنان پوشیده‌اند؛ پرسید: حوا از سمت راست آدم خلق شد یا از سمت چپ او؟ فرمود: از سمت چپ؛ زیرا چنانچه حوا از سمت راست آفریده می‌شد، بهره و سود مرد و زن یکسان بود، [اما چنین نیست] و برای مرد دو سهم و برای زن یک سهم است و شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است؛ پرسید: حوا از کدام‌یک از [اجزاء] آدم آفریده شد؟ فرمود: از دنده چپ...» (شیخ مفید، ۱۴۰۳ق، ۴۹)

۴- ۲- اضافه گِلِ آدم

روایت ۱۴- حسین بن یحیی بن ضریس العجلی / ابوجعفر عمار السکونی السریانی / ابراهیم بن عاصم

[بقرزین] / عبدالله بن هارون الکرخی / ابو جعفر احمد بن عبدالله بن یزید بن سلام بن عبدالله مولى رسول

الله / ابی، عبدالله بن یزید / یزید بن سلام آنه سأل رسول الله(ص):

«... آیا آدم از حوا خلق شد. یا حوا از آدم؟ فرمود: البته که حوا از آدم آفریده شد. اگر آدم از حوا آفریده می شد، طلاق به دست زنان می بود... پرسید: پس حوا از کجا آفریده شد؟ فرمود: از اضافه گل دنده چپ آدم...». (شیخ صدوق، ۱۳۸۶ق، ۴۷۱/۲)

روایت ۱۵ - محمد بن علی ماجیلویه / عمه / احمد بن ابی عبدالله / ابی الحسن برقی / عبدالله بن جبله / معاویه بن عمار / حسن بن عبدالله / آباءه / جد، الحسن بن علی بن ابی طالب (ع):

«گروهی یهودی نزد رسول خدا (ص) آمدند و داناترین آنان سؤالاتی پرسید، از جمله: برتری مردان بر زنان چگونه است؟ پیامبر فرمود: مثل برتری آسمان بر زمین و نیز برتری آب بر زمین است که آب زمین را زنده می کند و زنان نیز به دست مردان زنده می شوند. اگر مردان نبودند زنان خلق نمی شدند که خداوند می فرماید: "الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ" (نساء/۳۴). یهودی پرسید: چرا چنین است؟ پیامبر فرمود: خداوند آدم را از خاک آفرید و از اضافه و بقیه آن حوا را خلق کرد؛ و اول کسی که از زنان اطاعت کرد آدم بود؛ از این رو خدا او را از بهشت فرود آورد. برتری مردان بر زنان در دنیا، روشن و واضح است، آیا نمی بینی که زنان حائض می شوند و به سبب ناپاکی نمی توانند عبادت کنند ولی بر مردان، هیچ آلودگی نمی رسد. یهودی گفت: راست گفתי ای محمد.» (همان، ۵۱۲).

روایت ۱۶ - محمد بن حسن بن احمد بن ولید / احمد بن ادريس و محمد بن يحيى العطار / محمد بن احمد بن يحيى بن عمران اشعری / احمد بن حسن بن علی بن فضال / احمد بن ابراهيم بن عمار / ابن نويه / زراره:

«از امام صادق (ع) سؤال شد: نسل و ذریه آدم چگونه آغاز شد؟ ... زراره می گوید: سپس از چگونگی آفرینش حوا سؤال شد که افرادی هستند که معتقدند خداوند حوا را از پایین ترین دنده چپ آدم آفرید؟ امام فرمود: خدا از این گفتار پاک و منزّه است. کسی که چنین می گوید، در حقیقت معتقد است که خداوند توانایی و قدرت آن را ندارد که برای آدم همسری جز از دنده وی بیافریند؛ و بدین ترتیب راهی برای متکلمی از اهل انتقاد و افترا می گشاید تا بگوید برخی از اندام آدم با برخی دیگر از آن نکاح می کرد؛ زیرا همسرش از دنده او آفریده شده بود. چنین نیست که آنان می گویند، خداوند بین ما و آنها حکم فرماید و قضاوت کند، سپس گفت: خداوند آن هنگام که آدم را از خاک آفرید و به فرشتگان دستور داد بر آدم سجده کنند، او را به خواب برد و برای او آفریده ای پدید آورد. سپس آن زن را در گودی کشاله ران آدم قرار داد و این از آن روی بود که زن تابع و پیرو مرد باشد، آنگاه آن زن به جنبش درآمد و آدم از جنبش و حرکات زن بیدار شد... آدم گفت: نزدیک من بیا و حوا گفت: نه تو نزد من بیا، سپس خداوند به آدم امر کرد که برخیزد و نزد حوا رود که اگر

آفرینش حوا در قرآن و روایات ۱۱

چنین نمی‌بود، زنان خود نزد مردان برای خواستگاری می‌رفتند، پس این است قصه حوا که درود خدا بر او باد.» (همان، ۱۷/۱).

روایت ۱۷- عمرو بن أبی المقدام / ابیه [ابوالمقدام] ثابت بن هرمز:

[از امام باقر(ع) سؤال شد: حوا از چه آفریده شد؟ فرمود: این جماعت چه می‌گویند؟ گفتم: می‌گویند که حوا را از دنده‌ای از دنده‌های آدم آفرید. فرمود: دروغ می‌گویند. آیا خداوند ناتوان بود از این که حوا را از چیز دیگری بیافریند؟ گفتم: فدایت شوم ای فرزند رسول خدا(ص) پس از چه چیز حوا آفریده شد؟ فرمود: پدرم از پدرانش به من خبر داد که رسول خدا(ص) فرمود: خداوند مشتی از خاک برگرفت و آن را در دست راستش - که هر دو دست خدا راست است - مخلوط کرد و پس از آن آدم را آفرید. مقداری از آن خاک اضافه آمد که از آن، حوا را آفرید.» (عیاشی، همان، ۲۶۱).

بررسی و نقد روایات موجود

روایات ضعیف به شکل‌های مختلف در کتاب‌های حدیثی و تفسیری راه یافته‌اند؛ از مهم‌ترین آنها نفوذ افسانه‌سرایی، خرافه‌گویی و داستان‌سازی قصاصین درباره فضائل قرآن و داستان و حکایات قرآنی امت‌های پیشین است؛ چنانکه ابن خلدون ناآشنایی عرب با علم و دانش را سبب رواج روایات و حکایات اهل کتاب می‌داند (۱۴۲۲ ق، ۴۰۷). از این رو برای تشخیص سره از ناسره روایات، به بررسی سند و متن نیاز است.

۱- بررسی متنی

متن این روایات به دلایل زیر ضعیف و سست است.

۱-۱- تعارض با قرآن

روایاتی که حوا (زن) را سرشته و آفریده شده از موجود زنده، آدم (مرد) یا عضوی از بدن (آدم) دنده بیان می‌کنند با چند دسته از آیات قرآن تضاد دارند.

الف- قرآن ماده خلقت اولیه انسان را خاک، (آل عمران/۵۹/۳) گِل، (سجده/۷/۳۲) گِل چسبنده (صافات/۱۱/۳۷)، گِل خشکیده از گل سیاه و بدبو (حجر/۲۶/۱۵) و گل خشکیده سفال مانند (الرحمن/۱۴/۵۵) می‌داند. در این آیات تعبیر انسان عام است و شامل مرد و زن، هر دو، می‌شود. (نک: طباطبایی، ۱۳۹۷ ق، ۲۶۳/۱۶؛ ۱۵۸/۱۲)

ب- از تعریف و کاربرد قرآن درباره زوج و همسر بر می آید که زن و مرد، هر دو، هم جنس و هم سنخ هستند. قرآن بارها تصریح می کند که از جنس شما همسرانتان را آفریدیم؛ «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» (نحل/۱۶/۷۲) «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» (روم/۳۰/۲۱) و «جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» (شوری/۴۲/۱۱). ۲۶.

در این آیات آفریده شدن هر زنی از پیکر همسرش نمی تواند مقصود باشد؛ از این رو روایات ششم و هفتم مردود هستند.

از سوی دیگر به گواهی قرآن همه پدیده‌ها زوج آفریده شدند (ذاریات/۵۱/۴۹) و لازمه زوجیت هم جنس، هم سنخ و هم ذات بودن است؛ پس ذات انسانی زن و مرد (حتی در نخستین زن و شوهر) نیز باید یکسان باشد. (نک: یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶ش، ۲۷۵)

ج- در روایات اول تا هفدهم بجز بحث آفرینش به موضوعات پراکنده‌ای نیز پرداخته می شود که گاه با آیات قرآن سازش ندارد، از جمله:

- جنس زنان در خانه مورد تایید قرآن نیست و در بسیاری از آیات به حضور زنان در اجتماع اشاره می شود ولی در هیچ آیه‌ای ذکر نشده که به جهت حرص و اشتیاق زنان به مردان یا برای حفظ و مصونیت زنان یا هر دلیل دیگر، زن باید در خانه بماند.

- در روایات پانزدهم به صراحت ذکر می شود مرد از زن برتر است زیرا آدم از خاک و حوا از بقیه آن آفریده شده است در حالیکه از نگاه قرآن انسان‌ها خلقت تکوینی یکسانی دارند و ملاک برتری ایمان و تقواست «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات/۴۹/۱۳).

- در روایت هفدهم با تجسم و خیال پردازی خداوند به مانند مجسمه ساز و پیکره تراشی انسانی تصور می شود که گل آدمی را در دست راستش می آمیزد؛ و از آنجا که خداست و صاحب کمالات و فارغ و فاقد عیوب و کاستی‌ها، هر دو دستش راست است؛ گویی که دست چپ کاستی و نقص است. این تجسیم و تشبیه با آیات قرآن در تضاد است زیرا که خداوند «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری/۴۲/۱۱) توصیف می شود.

۲-۱- تعارض با عقل

در این روایات به لحاظ عقلی پرسش‌هایی مطرح است که هدف از این آفرینش متفاوت چه بود؟ چرا خداوند بایستی در آغاز خلقت دو انسان یکی را از گل و دیگری را از بدن اولی بیافریند؟ آیا گل آدمی کاستی

آفرینش حوا در قرآن و روایات ۱۳

گرفته بود؟ یا ارزش انسان دوم چنان نبود که همانند انسان اول از گل و طینت بخصوص و از پیش مهیا شده، آفریده شود؟ بدیهی است خداوند عالم و عادل که در اسلام معرفی می‌شود و هر فطرت پاکی بدان معترف است، چنین اهدافی را برای آفرینش در پیش نمی‌گیرد.

پس این نوع آفرینش یا هدفمند و جهت دار بوده یا بی هدف و بدون حکمتی خاص صورت گرفته است. اگر بی‌هدف بوده کاری عبث و بیهوده است و انجام کار عبث برای خدا محال است. سرّ و حکمت این نوع آفرینش مشخص نشده است و اگر ما راهی برای دستیابی به مفهوم نماد و نشانه چنین آفرینشی نداشته باشیم و خدا نیز بازنگفته باشد که چه هدف و حکمتی داشته، این پرسش مطرح می‌شود که فعلی که دلیل مشخصی ندارد و خدا نیز آن را برای ما روشن نکرده، از چه روی صورت گرفته است؟ زیرا این امر مخالف شیوه خداوند است که امور شگفت و دلایل آن را در قرآن بیان می‌کند؛ چنان‌که داستان آفرینش انسان، نافرمانی ابلیس، طوفانی که سراسر کره زمین را فراگرفته، دستور ذبح پسر به ابراهیم، عطای فرزند در سن پیری پدر و مادر، پرورش نوزادی در خانه دشمنی که حکم به قتل همه نوزادان داده، تولد عیسی (ع) بدون داشتن پدر و... همه و همه از امور شگفت و خارق العاده الهی است که در قرآن برای عبرت و پندآموزی بیان می‌شود.

از سوی دیگر خداوندی که در قرآن جزئیاتی از رفتارها و حالات درونی زنان در داستان‌های انبیاء گذشته همچون خنده ساره نزد فرشتگان مهمان ابراهیم، چگونگی واکنش تعجب‌آمیز او به بشارت فرزند، شگفتی زنان مصر از زیبایی یوسف و بریدن انگشتان (به جای میوه)، دل‌نگرانی بسیار مادر موسی به هنگام افکندن موسی در نیل و... اشاره می‌کند، اگر بنا داشته آفرینش زن را به شیوه‌ای خاص و متفاوت از مرد آغاز کند. چرا به این موضوع اشاره و بر آن تاکید نکرده است؟ خدایی که از ذکر چنین جزئیاتی درباره حالات درونی زنان در قرآن فرو گذار نبوده، چگونه برای بحث مهم خلقت زن - اگر خلقتی متمایز از مرد داشته - به وضوح و روشنی، در نص صریح قرآن بدان نپرداخته است؟

از این مقدمات بر می‌آید که آفرینش یکی از دو جنس انسانی (زن)، به گونه‌ای خاص، بایستی حکمت و هدفی در پی داشته باشد و علاوه بر آن، به این نکته و هدف آن در قرآن اشاره شود. و حال که چنین نیست، روایات آفرینش زن به شیوه‌ای متفاوت یا از جنس و ماده‌ای متفاوت از مرد، از نظر عقلی زیر سوال است. از سوی دیگر طبق نص صریح قرآن هدف از آفرینش انسان عبادت و شناخت و تکامل انسان است (نک: ذاریات/۵۱/۵۶) و با حکمت خداوندی ناسازگار است که برای رسیدن به این هدف غایی مقدمات رشد همه انسانها را به طور یکسان فراهم نکرده و خلقتی پست‌تر و ناقص به زن عطا کرده باشد به گونه‌ای که

برای طی مراحل تکامل با دشواری‌هایی روبرو شود و از رسیدن به برخی کمالات انسانی به دلیل نقصان در ذات آفرینش بازماند.

افزون بر آن، بخش‌هایی از روایات آفرینش با عقل مخالفت دارد و پذیرفتنی نیست.

الف- در روایت سیزدهم (مسائل عبدالله بن سلام) به جزئیات آفرینش حوا و تأثیرات آن بر قوانین مربوط به زنان در اسلام اشاره شد که مسائلی از قبیل آفرینش از آدم و اختیار طلاق به دست مرد، آفرینش از برخی از اجزاء و حق قضاوت نداشتن زنان، آفرینش از اعضای درونی و وجوب حجاب و آفرینش از سمت چپ و نابرابری زنان در سود و بهره و شهادت دو زن برابر یک مرد بیان شده است.

دو طرف این قضیه‌ها دو نسبت بی‌اساس است و رابطه این علت و معلول‌ها عقلانی و منطقی نیست؛ زیرا آفرینش و عنصر ابتدایی آفرینش بحثی تکوینی است، در حالی که طلاق، قضاوت، حجاب و شهادت و ارث، تشریحی و مربوط به حقوق وضعی هستند و نمی‌توان آنها را از امور ذاتی و فطری دانست؛ زیرا در واقعیت خارجی چنین نیست که زنان از ابتدای تاریخ و در همه ملل و ادیان و فرهنگ‌ها قوانین مشابه اسلام داشته باشند، در حالی که امور فطری - اگر این قوانین شرعی را فطری و از روز ازل معین شده بدانیم - بین همه انسان‌ها مشترک است و این همه نقیض و استثناء ندارد.

ب- در روایات چهاردهم تا هفدهم آفرینش حوا از باقیمانده گل آدم بیان شد، اما این پرسش به ذهن می‌رسد که آیا خداوند آفرینش دو انسان را پیش بینی نکرده بود که به اندازه، برای هر یک گل و خاکی فراهم کند تا در انتها به اجبار از اضافه و باقیمانده گل اولی، انسان دوم را خلق نکند؟ یا با علم به این موضوع چنین کرده تا نکته‌ای را بفهماند؟ در بحث هدفدار بودن یا نبودن این کار خارج از عادت مطرح شد که اگر بی هدف باشد عبث است و خداوند کار عبث نمی‌کند و اگر هدفدار است چرا حکمت آن بیان نشده که شیوه قرآنی در این امور بازگو کردن آنهاست.

۳- ۱- تعارض با علم

کم بودن یکی از دنده‌های مردان که در روایت دهم (و نیز به نوعی در روایات هشتم تا سیزدهم) به آن اشاره و در روایات دیگر حتی تصریح می‌شود، مخالف علم تشریح و واقعیت موجود است. و بدیهی است با شمارش دنده‌های هر مرد و زن، می‌توان به تساوی آنها پی‌برد. افزون بر آن، اشتقاق واژه حوا از حی و

آفرینش حوا در قرآن و روایات ۱۵

حیوان (در روایات اول و دوم) در علم صرف پذیرفته نشده است (نک: معرفت، ۱۴۱۸، ق، ۲/۳۳۹) و کتب لغت نیز به این نکته اشاره‌ای نکرده‌اند.

۴-۱- تعارض با واقعیت

الف- تمایل فطری و ذاتی مردان به خاک و زمین (روایات پنجم، ششم و هفتم) مخالف واقعیات ملموس و مشهود است؛ زیرا رابطه‌ای که بین دو طرف این قضیه برقرار شده نه رابطه‌ای منطقی است و نه دینی؛ بلکه پذیرش آن باید پشتوانه‌ای از تجربه اجتماعی داشته باشد. اما روشن است که حکم به ذاتی بودن اشتیاق و میل مردان به خاک و زمین با توجه به فرهنگ کشاورزی بیان شده و قابل تعمیم به همه مردان نیست. چنان که با حسّ و تجربه می‌توان دریافت بسیاری از مردان _ بخصوص با توجه به زندگی امروزی و تنوع مشاغل _ به اموری بی‌ارتباط با خاک و زمین تمایل و اشتغال دارند. از سوی دیگر بیش از عوامل ذاتی و درونی، انگیزه‌های بیرونی، محیط و اجتماع سبب تمایل و توجه افراد به کار و مشغله می‌شود.

ب- در متن روایت شانزدهم که تنها بخشی از آن در این پژوهش ذکر شد، امام برای رد ازدواج فرزندان آدم با یکدیگر اشاره می‌کنند که جفت‌گیری خواهر و برادر حتی نزد حیوانات به شدت ناپسند است و حیوان نر از این عمل گریزان و روی‌گردان است. این استدلال کاملاً مخالف واقعیت مشهود و تجربه‌های عینی در جهان حیوانات است که مفهوم خواهر و برادری در میان حیوانات معنایی ندارد و حتی در برخی موارد پس از سن رشد و بلوغ حیوان، احساس فرزند به مادر - یا بالعکس - به غرایزی دیگر تغییر می‌یابد. افزون بر آن، تعبیری که برای بیان این نمونه از زبان امام نقل می‌شود، رکبک است و با شأن معصوم و فصاحت و بلاغت او سازگاری ندارد که با چنین رکابت لفظی سخن بگوید.

۵-۱- برگرفته از اسرائیلیات

روایاتی که آفرینش حوا را از موجود زنده یا دنده می‌دانند، برگرفته و متأثر از تورات و فرهنگ یهود است؛ چنان که داستان آفرینش حوا در عهد عتیق چنین بازگو می‌شود:

«و خداوند خدا گفت خوب نیست که آدم تنها باشد پس برایش معاونی موافق وی بسازم... پس آدم همه بهایم و پرندگان آسمان و همه حیوانات صحرا را نام نهاد لیکن برای آدم معاونی موافق وی یافت نشد و

خداوند خدا خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا بخت و یکی از دنده‌هایش را گرفت و گوشت در جایش پُر کرد و خداوند خدا آن دنده را که از آدم برگرفته بود زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم آورد و آدم گفت همانا این است استخوانی از استخوان‌هایم و گوشتی از گوشتم؛ از این سبب نساء نامیده شود زیرا که از انسان گرفته شد.» (سفر پیدایش، ۱۸/۲ و ۲۱ - ۲۳).

درباره علت آفرینش حوا از دنده و نه دیگر اجزاء، آمده است:

«خداوند این نکته را مورد توجه قرار داد که زن را از کدامین عضو آدم بیافریند. او فرمود: من زن را از سر آدم نمی‌آفرینم تا آن که سبکسر نگردد و سر خود را از روی نخوت و غرور بالا نگیرد. نه از چشم، تا آنکه بسیار کنجکاو نباشد. و نه از گوش تا آنکه استراق سمع نکند و سخن چین نشود و نه از دهان تا آن که پر حرف و وراج به بار نیاید. و نه از دل تا آن که حسود نشود. و نه از دست تا آن که هرزه دست نشود و نه از پا تا آن که ولگرد نباشد. من زن را از قسمتی از بدن آدم که همواره پوشیده و نهفته است می‌آفرینم تا آن که موجودی محجوب و عقیف به بار آید.» (برشیت بار، ۱۸/۲ یا ۳ به نقل از کهن، ۱۳۸۲ ش، ۱۷۸-۱۷۹).

اما بسیاری از اسطوره پژوهان به داستانی سومری اشاره می‌کنند که شباهت بسیار به داستان آفرینش حوا در تورات دارد. یکی از اعضای انکی، خدای آب‌ها، که بیمار و رنجور می‌شود، دنده اوست. خدایانوی که برای پرستاری و درمان دنده بیمار انکی برگزیده می‌شود «نین تی» یا «بانوی دنده» است؛ اما نین تی معنای دیگری نیز دارد و آن بانوی حیات بخش است. ظاهراً نویسنده عبری عهد عتیق که بخش‌هایی از این اسطوره را برگرفته مفهوم اصلی نین تی را در نیافته و یا به عمد از آن گذشته است و تنها به معنای ثانوی یعنی دنده توجه کرده و هنگام اقتباس حوا را آفریده شده از دنده آدم معرفی کرده است. (نک: لاهیجی و کار، ۱۳۷۷ ش، ۱۲۵؛ رضایی، ۱۳۸۳ ش، ۸۶۱؛ دانشنامه جودایکا^۱، ۹۸۳/۶).

۶-۱- تعارض روایات با یکدیگر

این روایات در منشاء و ماده آفرینش حوا با یکدیگر تخالف و تضاد دارند. روایت اول حَی، روایت دوم حیوان، روایات سوم تا ششم آدم، روایت هفتم جنس مرد، روایات هشتم تا سیزدهم دنده و روایات چهاردهم تا هفدهم اضافه گل آدم را عنصر آفرینش حوا معرفی می‌کنند. افزون بر آن، در متن روایت هشتم نیز

1. Encyclopaedia Judaica

آفرینش حوا در قرآن و روایات ۱۷

آشفستگی و اضطراب است؛ زیرا ابتدای روایت حوا را از جنس و نوع آدم می‌داند و سپس به خلقت او از دنده اشاره می‌کند.

۷-۱- نفوذ روایات اهل سنت

در بررسی سندی اشاره می‌شود که برخی از روایان این احادیث یا خود از اهل سنت هستند؛ و یا با روایان و مجالس حدیثی اهل سنت تماس نزدیکی داشته‌اند.

باور آفرینش حوا (زن) از دنده یا موجود زنده عقیده‌ای رایج در کتب تفسیری و روایی اهل سنت است تا آنجا که در عصر حاضر نیز بسیاری از نویسندگان این مکتب بر این باورند و بر آن پای فشاری می‌کنند. (برای نمونه نک: محامی، ۱۹۹۸م، ۱۴-۱۶؛ فوزی النعال، ۲۰۰۰م، ۱۳؛ عبدالمنعم حسن، ۱۹۸۵م، ۲۲؛ صلاح الخالدی، ۱۴۱۹ق، ۲۸).

درباره علت شیوع این اخبار اسرائیلی در اهل سنت می‌توان گفت که افرادی همچون وهب بن منبه، ابوهریره، کعب الاحبار، عبدالله بن سلام، سمره بن جندب و تمیم داری از قصه گویان و قصاصینی که گاه از تازه مسلمانان اهل کتاب هستند، در بین روایان عامه حضور دارند که روایاتشان در کتب اهل سنت نقل و بسط داده شده و نفوذ کرده است. به گونه‌ای که باور آفرینش زن از دنده یا تشبیه آن به دنده، به شکل‌های گوناگون و نقل‌های مختلف بازگو شده است.

سند بیشتر این روایات به ابوهریره می‌رسد که برخی از آنها، زن را آفریده شده از دنده (نک: بخاری، ۱۴۰۱ ق، ۱۰۳/۴ و ۱۴۵/۶؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، بی تا، ۱۷۸/۴) و برخی تشبیه شده به دنده (بخاری، ۱۴۵/۶؛ مسلم، همان) معرفی می‌کنند. در روایتی نیز نعیم بن قعبن نزد ابوذر می‌رود تا از او سوآلی بپرسد؛ همسر ابوذر با بدخلقی از میهمان پذیرایی می‌کند و ابوذر حدیثی درباره تشبیه زن به دنده کج (ابن حنبل، بی تا، ۱۵۰/۵ و ۱۶۴) و بنا بر نقلی آفرینش زن از دنده کج (دارمی، بی تا، ۱۴۷/۲) از پیامبر (ص) نقل می‌کند. در خبری دیگر جریر (بنابر نقلی او جابر بن عبدالله انصاری است، عبدالرزاق صنعانی، بی تا، ۳۰۳/۷) نزد عمر می‌آید و از حسادت‌ها و رقابت‌های همسرانش گله می‌کند. پس از همدردی عمر با جریر، عبدالله بن مسعود حکایت شکایت ابراهیم از بدخویی ساره نزد خدا و آفرینش زن از دنده (بنابر نقل دیگر تشبیه زن به دنده، ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق، ۱۸۴/۴) را باز می‌گوید. (ابن ابی شیبه، ۱۸۵/۴).

۲- بررسی سندی

هر هفده روایت، بجز روایت هشتم، اشکالات و سستی‌هایی در سند دارند و ضعیف محسوب می‌شوند. روایت هشتم از نظر سندی صحیح است. ضعف سندی این روایات از این قرار است:

۱. در این سند علی بن ابی حمزه که باتوجه به طبقه استاد و شاگرد مشخص می‌شود وی علی بن ابی حمزه بطائنی است (نک: خویی، ۱۴۱۳، ق، ۲۳۴/۱۲)، از سران واقفیه، متهم به کذب و دروغگویی و مورد لعن و سرزنش شدید امام رضا (ع) واقع شده است. (ابن غضائری، ۱۴۲۲، ق، ۸۳؛ نجاشی، ۱۴۲۴، ق، ۲۴۹؛ کشی، ۱۴۰۴، ق، ۷۴۲/۲). حسین بن یزید نَوْفَلی نیز مجهول (نجاشی، ۱۴۲۴، ق، ۳۸) و موسی بن عمران نخعی، برادرزاده نوفلی، مهمل است.
۲. در سند این روایت افتادگی و ارسال وجود دارد. انقطاع از عوامل ضعف سند است.
۳. در سند روایت اول بررسی شد.
۴. در این سند عبدالرحمان بن سیابه مجهول است؛ زیرا کَشی در برخی ماجراهای تاریخی عصر امام صادق از او یاد می‌کند (۶۸۸/۲ و ۶۲۸). با این همه وصف رجالی عبدالرحمان مشخص نمی‌شود. عبدالله بن محمد یا بنان بن محمد (خویی، ۱۴۱۳، ق، ۴۲۵/۱۲) نیز مجهول است (کشی، ۷۹۹/۲).
۵. افزون بر افتادگی و ارسال بخش اعظم سند، واسطی که از مقایسه سندها (نک: کلینی، ۳۴۳/۳؛ همو، ۵/۶؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ش، ۴۶۵/۱) بدست می‌آید که وی محمد بن حسن واسطی از راویان اهل سنت است، راویبی ضعیف و متهم به کذب محسوب می‌شود. درباره این راوی که با عنوان محمد بن حسن بن ابی‌یزید کوفی همدانی مشهور است و مدتی در واسط اقامت گزیده، تصریح شده که از امام جعفر صادق (ع) روایت نقل کرده است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ق، ۱۶۸/۲). رجالیونی که وی را دیده‌اند، او را کذاب، دروغگو و کسی که از خود احادیثی بر می‌سازد، توصیف کرده‌اند (ابن معین، بی تا، ۲۷۳/۱؛ ابن حنبل، ۱۴۰۸، ق، ۲۹۹/۳).
۶. وهب بین راویان بسیاری مشترک است که از آن میان پس از مقایسه استاد و شاگرد در می‌یابیم که وی ابوالبختری وهب بن وهب قرشی (د ۲۰۰ ق) است (نک: خویی، ۲۳۰/۲۰). رجال‌شناسان شیعی وی را از دروغگوترین مخلوقات توصیف کرده‌اند که از راویان اهل سنت است و در مواردی

آفرینش حوا در قرآن و روایات ۱۹

از امام جعفر صادق(ع) روایت کرده است. (کشی، ۵۹۷/۲؛ ابن غضائری، ۱۰۱؛ نجاشی، ۴۳۰؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۲، ق، ۲۵۶). رجال شناسان اهل سنت نیز این قاضی لشکر هارون الرشید را حدیث ساز و یکی از دو دروغگوی امت اسلام برشمرده‌اند (ابن معین، بی تا، ۱۳۶/۱؛ ابن ابی حاتم رازی، ۱۳۷۳، ق، ۲۵/۹).

۷. غیاث بن ابراهیم که نجاشی او را توثیق می‌کند(۳۰۵)، در کتاب‌های رجالی اهل سنت مُدلس، کذاب و جاعل حدیث معرفی می‌شود(خطیب بغدادی، ۳۲۳/۱۲). اگر اقوال رجالیون شیعه و اهل سنت را درباره دو راوی متمایز بدانیم، با توجه به ویژگی‌هایی که رجالیون اهل سنت برای غیاث ذکر کرده‌اند،^{۴۲} به نظر می‌رسد که غیاث بن ابراهیم کذاب راوی روایت هفتم است. گفتنی است غیاث بن ابراهیم بُتری مذهب بوده است (شیخ طوسی، ۱۴۱۵، ق، ۱۴۲). بتربه گروهی از زیدیه هستند که تقدم مفضول بر فاضل (ابوبکر و عمر بر علی (ع)) را جایز می‌شمارند و به سبب همین اشتراک عقاید در مجالس هر دو فرقه اهل سنت و شیعه حضور داشته و از هر دو گروه روایت اخذ کرده‌اند.

۸. سند این روایت شرایط صحت را داراست.

۹. در این سند تصحیف رخ داده است؛ زیرا راوی کتاب‌های عیسی بن عبدالله علوی، محمد بن علی الصیرفی است.^{۴۳} ابو سَمینه محمد بن صیرفی مشهورترین دروغگو میان راویان شیعه است. وی در غلو نیز شهره است. ابوسمینه به قم سفر می‌کند و به سبب همین ویژگی‌ها از قم رانده می‌شود (کشی، ۸۲۳/۲؛ ابن غضائری، ۹۴؛ نجاشی، ۱۵۴؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۲، ق، ۲۱۹).

۱۰. در سند روایت پیشین بررسی شد.

۱۱. در سند این روایت افتادگی و ارسال وجود دارد.

۱۲. در سند این روایت افتادگی و ارسال وجود دارد.

۱۳. افزون بر افتادگی و ارسال بخش بزرگی از سند، عبدالله بن سلام راوی مجهولی است که درباره او اطلاعات اندکی گزارش شده است. او از دانشمندان یهودی است که در مدینه اسلام آورد و پیامبر(ص) نامش را از «حصین» به «عبدالله» تغییر داد (ابن اثیر، بی تا، ۱۷۶/۳).

۱۴. این سند در مقایسه با سند‌های مشابه دیگر آشفتگی و اضطراب دارد (شیخ صدوق، ۱۳۸۶، ق، ۱۳/۱؛ همو، ۱۳۸۷، ق، ۳۳۹؛ خزاز قمی، ۱۴۰۱، ق، ۱۳۹). افزون بر آن، ابو جعفر احمد بن عبدالله

- بن یزید بن سلام، پدرانیش، عبدالله بن هارون الکرخی، حسین بن یحیی بن ضریس بجلی و پدرش مهمل محسوب می‌شوند و ابراهیم بن عاصم نیز مجهول ۴۴ است.
۱۵. در این سند محمد بن علی ماجیلویه، استاد شیخ صدوق، مجهول و حسن بن عبدالله و ابوالحسن برقی مهمل‌اند.
۱۶. در سند این روایت نیز احمد بن ابراهیم بن عمّار و ابن نویه مهمل هستند.
- در این سند افزون بر افتادگی و ارسال، ابوالمقدم ثابت بن هرمز از سران بتریه وجود دارد که صادقین(ع) بارها او را نفی و لعن کرده‌اند (کشی، ۴۹۹/۲ و ۵۰۴). پسر ثابت، عمرو بن اَبی المقدم، نیز به شدت تضعیف شده است (ابن غضائری، ۷۳).

نتیجه

چنانکه تبیین شد روایاتی که باور آفریده شدن حوا (زن) از موجود زنده یا جزئی از بدن آدم را بیان می‌کنند، از جهت متن و سند اشکالات عدیده‌ای دارند و به نظر می‌رسد برگرفته و متأثر از اندیشه یهود و بازتاب دهنده اندیشه‌ای خاص درباره زنان است. از این رو می‌توان گفت این روایات در تفسیر آیاتی که به اجمال به خلقت آدم و حوا اشاره دارند قابل استناد نیستند؛ هر چند اشاره شد که برخی از مفسرین از این روایات برای تفسیر بهره گرفته‌اند. و نیز ذکر شد که بیشتر مفسرین معاصر نظر آفرینش حوا از جنس و نوع آدم را پذیرفته‌اند.

منابع

- ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمان بن محمد، (۱۳۷۳ ق)، الجرح والتعديل، بیروت، دار احیاء التراث.
- ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد (۱۴۰۹ ق)، المصنف، (تحقیق سعید محمد اللجام)، بیروت، دارالکفر.
- ابن اثیر، محمد بن محمد، (بی‌تا)، أسد الغابه فی تمییز الصحابه، تهران، اسماعیلیان.
- ابن حجر، احمد بن علی (۱۴۰۴ ق)، تهذیب التهذیب، بیروت، دارالفکر.
- ابن حنبل، احمد (۱۴۰۸ ق)، العلل و معرفه الرجال، (به کوشش وصی‌الله بن محمود بن عباس)، ریاض، دارالخانی.
- ابن حنبل، احمد (بی‌تا)، المسند، بیروت، دار صادر.

آفرینش حوا در قرآن و روایات ۲۱

- ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۲۲ ق)، مقدمه ابن خلدون، (به کوشش محمد اسکندری)، چاپ سوم، ۱۴۲۲ ق، بیروت، دارالکتب العربی.
- ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۴۲۲ ق)، الرجال، (تحقیق محمدرضا حسینی جلالی)، قم، دارالحدیث.
- ابن معین، یحیی (بی تا)، تاریخ ابن معین (بروایه الدوری)، (به کوشش عبدالله احمد حسن)، بیروت، دارالعلم.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۱ ق)، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر.
- بلاغی، عبدالحجت، (۱۳۴۵ ش)، حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر، قم، چاپ حکمت.
- بنت الشاطی، عائشه عبدالرحمن، (۱۴۰۴ ق)، الاعجاز الیبانی للقرآن، قاهره، دارالمعارف.
- الخالدی، صلاح (۱۴۱۹ ق)، القصص القرآنی عرض وقائع و تحلیل احداث، دمشق، دارالعلم.
- خزازی قمی، علی بن محمد، (۱۴۰۱ هـ)، کفایه الاثر فی النص علی الاثمه الاثنی عشر، (تحقیق عبد اللطیف حسینی کوه کمری)، قم، انتشارات بیدار.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ ق)، تاریخ بغداد، (تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا)، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ ق)، معجم الرجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، چاپ پنجم، نجف.
- رضایی، مهدی (۱۳۸۳ ش)، آفرینش و مرگ در اساطیر، تهران، اساطیر.
- ستاری، جلال (۱۳۷۵ ش)، سیمای زن در فرهنگ ایران، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز.
- شهبید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۲۳ ق)، الرعايه لحال البدايه فی علم الدرايه، (به کوشش مرکز الأبحاث والدراسات الاسلامیه)، قم، بوستان کتاب قم.
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ ق)، کتاب من لایحضره الفقیه، (تحقیق علی اکبر غفاری)، چاپ دوم، قم، جامعه المدرسین.
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۷ ق)، التوحید، (به کوشش سید هاشم حسینی)، قم، جامعه المدرسین فی حوزه العلمیه.
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۶ ق)، علل الشرائع، نجف، مطبعه حیدریه.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۲ ق)، الفهرست، (تحقیق جواد قیومی)، چاپ دوم، بی جا، نشرالفاقه.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵ ش)، تهذیب الاحکام، (تحقیق حسن خراسان، تصحیح محمد آخوندی)، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۹ ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، (تصحیح احمد حبیب قصیر)، نجف، مکتبه القصیر.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ ق)، الرجال، (تحقیق جواد قیومی)، قم، مؤسسه النشر اسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۰۳ ق)، الامالی، (تحقیق علی اکبر غفاری)، قم، جامعه المدرسین فی حوزه العلمیه.
- طالقانی، محمود (۱۳۵۸ ش)، پرتوی از قرآن، بی جا، شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران دارالکتب الاسلامیه.

۲۲ پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۵

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۹ ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العرب.
عبدالرزاق صنعانی (بی تا)، المصنف، (تحقیق حبیب الرحمن الاعظمی)، بی جا، مجلس علمی.
عبدالمعزم حسن (۱۹۸۵ م)، طبیعه المرأه فی الكتاب و السنه، قاهره، مکتبه النهضه المصریه.
عیاشی، محمد بن مسعود (بی تا)، التفسیر، (تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی)، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
فضل الله، محمد حسین (۱۴۰۵ ق)، من وحی القرآن، چاپ سوم، بیروت، دارالزهرا للطباعه و النشر والتوزیع.
فوزی النعال، مختار (۲۰۰۰ م)، نساء أشار الیهن القرآن و لم یسمهن، حلب، دارالرضوان.
فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (بی تا)، الصافی فی تفسیر کلام الله، مشهد، دارالمرتضی للنشر.
قاضی نعمان مغربی (بی تا)، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار، (تحقیق سید محمد حسینی جلالی)، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.

قرآن مجید.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق)، التفسیر، (تصحیح سید طیب جزیری)، چاپ سوم، قم، دارالکتاب. کتاب مقدس.
کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ ق)، الرجال، (تحقیق میرداماد، محمدباقر حسینی، مهدی رجائی)، قم، مؤسسه آل البيت.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۹ ق)، الکافی، (تحقیق علی اکبر غفاری)، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
کهن، آبراهام (۱۳۸۲ ش)، گنجینه‌ای از تلمود، (ترجمه امیر فریدون گرگانی)، تهران، اساطیر.
لاهیجی، شهلا و کار، مهرانگیز (۱۳۷۷ ش)، شناخت هویت زن ایرانی در گستره پیش از تاریخ و تاریخ، چاپ دوم، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.

مالمقانی، عبدالله (۱۴۱۱ ق)، مقباس الهدایه، (تحقیق محمدرضا مالمقانی)، قم، مؤسسه آل البيت.
محامی، محمد کامل حسن (۱۹۹۸ م)، حواء المظلومه، بیروت، مکتب العالمی.
مسلم بن حجاج نیشابوری (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر.
مشکور، محمد جواد (۱۳۵۷ ش)، فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
معرفت، محمد هادی (۱۴۱۸ ق)، التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب، مشهد، دانشگاه رضوی.
مغنیه، محمد جواد (۱۹۸۱ م)، تفسیر الکاشف، چاپ سوم، بیروت، دارالعلم للملایین.
ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۴۱۵ ق)، تفسیر القرآن الکریم، (تحقیق و مقدمه محسن بیدارفر، تصحیح محمد خواجوی)، چاپ دوم، قم، بیدار.
نجاشی، احمد بن علی (۱۴۲۴ ق)، الرجال، (تحقیق موسی شبیری زنجانی)، چاپ هفتم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۷۶ ش)، باز خوانی قصه خلقت، تهران، قلم.

Encyclopaedia Judaica, (1996), Jerusalem, Keter Publishing House.